



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان مقاله:

آموزش و آشنایی کودکان با امام مهدی (عج)

گردآورنده:

بنت الهدی اشرفی

شهریور ۱۴۰۱

فهرست

- * چکیده ۵
- * واژگان کلیدی ۵
- * یادگیری ۶
- * یادگیری در زندگی انسان چه نقشی دارد؟ ۶
- * ویژگی های یادگیری ۶
- ** تغییر در رفتار ۶
- ** پایداری نسبی ۶
- ** توانایی های بالقوه ۶
- * ۶ میم اصلی در تربیت موفق کودک ۷
- * آیا کودکی برای آغاز یادگیری آموزه های دینی زود نیست؟ ۸
- * چگونه فرزندی مهدوی تربیت کنیم؟ ۹
- * آشنایی با امام زمان (عج) ۱۰
- * احترام به امام زمان (عج) ۱۰
- * آموزش دعا و حدیث ۱۰
- * فضا سازی معنوی ۱۱
- * بیان آثار ظهور حضرت ۱۱
- * تلفیق زندگی روزمره با مفهوم انتظار ۱۱
- * بهره گیری از نمادها ۱۱
- * بهره گیری از محصولات فرهنگی ۱۱
- * ایجاد دوستی و محبت ۱۲
- * نقش مادران در تربیت فرزند مهدوی ۱۲

- ۱۳* استفاده از شعر و داستان.....*
- ۱۳** شعر.....**
- ۱۳*** اهمیت شعر.....***
- ۱۳*** فواید شعر.....***
- ۱۴*** نمونه شعر مهدوی.....***
- ۱۴** داستان.....**
- ۱۴*** اهمیت داستان.....***
- ۱۵*** فواید داستان.....***
- ۱۵*** شرایط داستان.....***
- ۱۶*** نمونه داستان مهدوی.....***
- ۱۷* بازی.....*
- ۱۷**نمونه بازی مهدوی.....**
- ۱۷*** بازی آسیاب بچرخ، میچرخ مهدوی.....***
- ۱۸*** بازی عموزنجیرباف مهدوی.....***
- ۱۹*نتیجه گیری.....*
- ۲۰*منابع.....*

***چکیده**

در دنیایی که غرب تمام تلاشش را می کند برای اینکه ذهن کودکان را مسموم عقاید خویش کند، ما باید شبانه روز تلاش کنیم تا این هجمه ای که بر ذهن کودکان شکل می گیرد را خنثی و حتی دفع کنیم.

چه کاری مهمتر و بهتر که تمام تلاش شبانه روز خود را بگذاریم تا کودکان را با امام زمان (عج) آشنا کنیم.

من در پی این موضوع آشنایی و آموزش کودکان با امام زمان (عج) به دنبال رسیدم به انس کودکان با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هستم، که برای رسیدن به این هدف ابتدا یادگیری را از منظر علمی و روانشناسی بصورت خلاصه بیان میکنم و سپس به روش های عملی مرتبط با موضوع میپردازم.

***واژگان کلیدی:**

کودک و امام زمان (عج) - آموزش مهدوی - تربیت مهدوی - یادگیری

*یادگیری

❖ یادگیری در زندگی انسان چه نقشی دارد؟

نقش یادگیری در همه صحنه های زندگی نمایان است. یادگیری تنها آموختن مهارتی خاص با مطالب درسی نیست، بلکه در رشد هیجانی، رشد شخصیتی، تعامل اجتماعی انسان دخالت دارد. انسان یاد میگیرد که از چه چیزی بترسد، چه چیزی را دوست بدارد و کجا چگونه رفتار کند. در واقع نوزاد از همان لحظه تولد درگیر فرآیند یادگیری می شود و این توانایی است که باعث پیشرفت و تفاوت روزانه او تفاوت انسانهای یک نسل از انسانهای نسل قبل از خودشان میشود.

فرآیند یادگیری باتوجه به اهمیتش مورد توجه بوده و در این مورد دانشمندان بسیاری اظهار نظر، پژوهش و نظریه پردازی کرده و جواب بسیاری از سوالات را روشن کرده اند، بطوری که می توان با صراحت و اطمینان در مورد اینکه یادگیری چیست؟، چگونه رخ میدهد و عوامل مؤثر کدام هستند؟

❖ ویژگی های یادگیری ❖ تغییر در رفتار

یادگیری همراه با "تغییر" است به گونه ای که بعد از کسب یادگیری موجود زنده (از جمله انسان) رفتارش (بیرونی یا درونی) به یک روش یا حالت جدید تغییر می یابد. این تغییر هم در رفتارهای ساده و هم در رفتارهای پیچیده دیده می شود.

❖ پایداری نسبی

درست است که یادگیری همراه با تغییر است ولی هر تغییری یادگیری محسوب نمیشود، بلکه تغییرات ناشی از یادگیری پایداری (permanency) دارند، و تغییراتی که پایداری نداشته باشند را نمیتوان به یادگیری نسبت داد (نظیر تغییرات ناشی از مصرف دارو یا مواد، هیجانها، خستگی و... که پس از رفع اثر دارو، موضوع هیجان یا رفع خستگی و... تغییرات نیز ناپدید می شوند). فردی که مسئله یا چیزی را یاد گرفته است تغییرات حاصل از آن را همواره با خود دارد و در مواقع لازم به اجرا در می آورد.

❖ توانایی های بالقوه

یادگیری در فرد نوعی توانایی ایجاد میکند، بدین معنی که "تغییرات پایدار در رفتار" نتیجه تغییر در "توانایی ها" است، نه تغییر در رفتار ظاهری. اگر طرف دیگر این توانایی ها همیشه مورد استفاده قرار نمی گیرند بلکه بعضی مواقع به صورت بالقوه هستند و هر وقت موقعیت و فرصت استفاده فراهم شود؛ از حالت بالقوه خارج و به حالت بالفعل (عمل) در می آیند. مثلاً فردی که دوچرخه سواری را یاد گرفته است، اگر موقعیت دوچرخه سواری برای او فراهم نباشد این توانایی بصورت بالقوه در فرد باقی می ماند و هر وقت موقعیت و فرصت دوچرخه سواری فراهم شود (مثلاً یک دوچرخه در اختیار او قرار گیرد) این توانایی بالقوه به بالفعل (حالت عمل) در می آید. این بدان معنی است که یادگیری هیچ وقت از بین نمی رود.

❖ ۶ میم اصلی در تربیت موفق کودک

متخصصین روانکاوی کودکان اثر شش میم را در تربیت کودک موثر می دانند و عنوان می کنند که:

نیاز روانی بچه های ما، عبارت است از انتقال اثر شش میم. این شش میم را هر کس در کارنامه گذشته زندگی اش دریافت کرده باشد، میم هفتمش "موفقیت" است که خود به خود پدید خواهد آمد:

۱. تو محبوبی ۲. تو محترمی ۳. تو مطرحی ۴. تو مهمی ۵. تو مفیدی ۶. تو میفهمی

اگر ما در رفتار و گفتارمان این ۶ میم را به فرزندان مان انتقال دهیم میم هفتم "موفقیت" خود به خود خواهد آمد؛ یعنی باتری روانی انرژی دهنده فرد شارژ خواهد شد. در آن صورت این آدم در تحصیل و زندگی و کار و... موفق خواهد شد.

البته ضد این شش میم که گفته شد، چیزهای دیگری هم هستند که اگر پدر و مادرها انجامش ندهند، عکس این نتیجه را می گیرند و آن آرایه ۷ "ت" است که خیلی سخت است. این ۷ "ت" را هر کسی دریافت کرد، "ت" هشتمش "تباهی" است که انتظارش را می کشد:

۱. تنبیه ۲. توهین ۳. تهدید ۴. تحقیر ۵. تبعیض ۶. تنفر ۷. ترس

همه افراد شکست خورده و جامعه ستیزها و... در کارنامه های خود این "ت" ها را دارند، یعنی تاثیر "ت" تحقیر با "ت" تحسین، زمین تا آسمان است.

بنابراین اگر تلاش کنیم که نکات و ویژگی های مثبت فرزندانمان را برجسته نموده و آنها را بابت این ویژگی ها تشویق نماییم به صورت ناخودآگاه و بلکه شاید آگاهانه سعی بر آن خواهند داشت تا برای تشویق بیشتر و مورد تایید قرار گرفتن آن ویژگی ها را در وجود خود افزایش دهند.

و حال آنکه در صورت تحقیر و تنبیه آنان، خود را به همان صورتی می پذیرند که شما آنها را خطاب نمودید و متصور شده اید. به علاوه این که خاصیتی در تنبیه هست که در تشویق یافت نمی شود و آن ایجاد روحیه مقاومت و لجبازی است، با ایجاد این حالت در وجودش، زمینه ای را برای عدم پذیرش هرچه راستی و درستی است فراهم می کنیم.

کافیست کمی فکر کنید؛ شما بیشتر توسط کسانی که محبت و عشق خود را ابراز می کنند و در ایفای آن حساسیت به خرج نمی دهند جذب می شوید یا افرادی که مدام با تحقیر شما در جهت لطمه به شخصیتتان فعالیت می کنند!؟

❖ آیا کودکی برای آغاز یادگیری آموزه‌های دینی زود نیست؟

یک سؤال مهم و اساسی و گاه با جهت‌گیری نامحسوس است که این القا را در ذهن‌ها به وجود می‌آورد که آموزش در دوران کودکی برای آنان مضر است و برای یادگیری مفاهیم دینی وقت بسیار است، اما آیا حقیقتاً این‌گونه است؟ برای پاسخ به سؤال از طریق روایی و اجتماعی موضوع را بررسی خواهیم کرد.

در روایات آمده است که امام باقر (ع) می‌فرماید: «چون کودک سه ساله شود هفت بار به او بگو بخوان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بعد، و اگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، هفت بار به او بگویند، بگو «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، و دیگر تا چهار سالگی او را و اگذار و چون چهار سالش تمام شد هفت بار بگوید «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ولش کن تا پنج سالگی به او گفته شود دست راست و چپ کدام است؟ وقتی فهمید، رو به قبله و اداشته شود و سجده کند و باز و اگذارش کنید تا ۶ سالگی چون شش ساله شد رکوع و سجود آموزد تا هفت ساله شود، در این سن دستور نماز دهند تا دست و صورت را بشوید وضو بگیرد، بعد به نمازش و ادارند».

در روایت در جایی که اشاره دارد رهایش کنید نه اینکه بی‌تفاوت باشیم بلکه منظور این است که برای جاافتادن مسائل اعتقادی مانند خداشناسی و نوبت امامت و غیره به زمان نیاز است و باید با کودکان با زبان نرم و آرام پیش رفت و مطالب را غیرمستقیم نه همراه با فشار و سخت‌گیری مطالب را در این دوران تثبیت کرد.

در وصیت حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) می‌خوانیم «دل فرزند هم چون زمین ناکشته است؛ هر چه در آن بکارند، بار آورد؛ پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آن که دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد؛ تا با رأی قاطع روی به کار آری».

رسول خدا (ص) می‌فرماید «مَثَلُ آن كَسِ كِه در كودكی به فراگیری مطالب پردازد، همانند حكاکی بر سنگ است»؛ بسیار احادیثی از این دست وجود دارد و نشانگر آن است که نه تنها دوران کودکی برای فراگیری آموزه‌های دینی زود نیست بلکه بهترین و درست‌ترین زمان است، زیرا اگر ما از دوران کودکی مفاهیم و تربیت را آغاز نکنیم دشمن دست به کار خواهد شد و تأثیر خود را در جان و روان کودک خواهد گذاشت.

علم، تأثیر غیرمستقیم رسانه و روابط اجتماعی را بر روان کودک تأیید کرده است؛ یعنی وقتی برنامه‌ای از رسانه، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی که مناسب سن کودک نیست و یا در تضاد با مفاهیم و آموزه‌های دینی است در حال پخش باشد هر چند کودک ما مستقیم به آن گوش فرا ندهد و یا در حال بازی و غیره باشد ولی تأثیرش را بر روان کودک خواهد گذاشت. پس رها کردن کودک در این سنین با توجه به این همه هجمه آشکار دشمن کار عاقلانه‌ای نیست و اثرات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد ضمن اینکه هدف دین از فراگیری آموزه‌های دینی، آموزش غیرمستقیم است نه آموزش مستقیم و همراه با جبر.

الگوهای شرقی و غربی، امروزه کودکان ما را در محاصره خود قرار داده اند. این الگوهای ساختگی و افسانه‌ای که با جذاب‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های علمی و فنی به خانه‌های ما وارد شده اند، دل

و جان فرزندان مان را تسخیر کرده و ذائقه روانی آن ها را تحت تأثیر خویش قرار داده اند. قاب شیشه ای که از درون آن کودکان ما به تماشای فیلم ها، بازی های رایانه ای و اطلاعات انبوه اینترنتی می نشینند، می تواند دل و جان فرزندان ما را وام دار خود کند.

در چنین هجمه همه جانبه ای، لازم است طرحی نو در انداخت و قبل از آن که گمراهان به دنیای کودکان وارد شوند، چشمه های جوشان معنویت و احساس خوش همراهی با امام معصوم را در وجودشان نشانند. با داشتن پیشوایانی کامل و اسوه هایی جامع برای یک زندگی سراسر موفقیت و آرامش، نیازی به الگوهای کاذب و نمادین نیست؛ به شرط آن که نسل نو، امام و پدران معنوی خود را به نیکی بشناسند و ارتباط عاطفی شایسته را تشکیل دهند.

باید از این واقعه ترسید و قبل از اینکه دشمن دست به کار شود و در قالب های رنگین و فریبنده ذهن و قلب کودکانمان را تسخیر کند در این زمینه فعالانه و دلسوزانه کار کنیم و بذر محبت و دوستی اهل بیت (ع) را در دلشان بکاریم تا به درخت تنومند مهدوی تبدیل شود و با هر بادی تکان نخورد.

❖ چگونه فرزندی مهدوی تربیت کنیم؟

انتظار، هدیه ای الهی است که تنها برخی از بندگان خدا توفیق آگاهی و شناخت آن را دارند.

یکی از مهمترین وظایف شیعیان در عصر غیبت، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه سازی برای ظهور امام زمان (عج) و انتقال این فرهنگ به نسل آینده است. اگر نسبت به مقوله ای انتظار و سبک زندگی مهدوی بی توجه باشیم، بدون شک فرزندانمان با فرهنگی غیر دینی و اسلامی تربیت خواهند شد.

مهمترین و اساسی ترین آرزوی هر خانواده ای مسلمانی، داشتن فرزندان دیندار و صالح است و بدون شک مهمترین نقش تربیتی در این امر بر عهده خود والدین می باشد. پس از خانواده، این امر خطیر بر عهده مدرسه و اجتماع است که به باورها و شخصیت کودکان شکلی صحیح و اسلامی دهد.

یکی از مسائل مهم مربوط به تربیت در حوزه ای انتظار، توجه به این نکته است که می خواهیم چه کسی را تربیت کنیم؟ ما می خواهیم کسی را تربیت کنیم که طبق بسیاری از روایات قبل از آنکه هفت سالش تمام شود باید ارزشهای مذهبی را در او پایه گذاری کنیم. از طرفی باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که زبان و فهم او با یک فرد بزرگسال تفاوت دارد. از همین روی باید روشی را اتخاذ کنیم که با سن و شرایط او سازگاری دارد. روشی که عملی و عینی بوده و مفهوم انتظار و مهدویت را در روح و جان او حک کند.

در زیر به بررسی برخی از مهمترین این روش‌ها می‌پردازیم:

❖ آشنایی با امام زمان (عج)

یکی از وظایف مهم خانواده و مربی در عصر غیبت کبرای امام زمان (عج)، آشنا سازی فرزندان با مهدی (عج) است. آشنا سازی با نام و مشخصات ظاهری آن حضرت، آشنا سازی با ویژگی‌های شخصیتی و تبیین فضائل و مناقب و برکات وجودی آن بزرگوار برای مردم و امثال آن.

برای مثال تبیین اینکه رزق و روزی مردم به برکت وجود امام زمان (عج) است، او عدالت خواه است و حکومت عادلانه برقرار می‌کند، نمازگزاران را دوست دارد، به کودکان علاقه‌مند است، کسانی را که به پدر و مادر نیکی کنند و احترام بگذارند دوست دارد و در یک جمله، او مظهر همه خوبی‌هاست. اگر خانواده چنین کاری انجام دهد ایمان به آن حضرت در قلب فرزندان نهادینه می‌شود. [۱]

❖ احترام به امام زمان (عج)

در روایتی آمده است که: "دعبل خزاعی قصیده‌ای را برای امام رضا (ع) سروده و برای آن حضرت خواند. وقتی در آن قصیده حضرت نام مبارک "قائم" را شنید، از جا برخاستند و سر خود را به سوی زمین خم کرده و پس از آن، کف دست راست خود را بر سر گذاشته و فرمودند: "اللهم عجل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصرا عزیزا" [۲]

با توجه به این روایت، احترام و تکریم حضرت باید در عمل نشان داده شود و ذکر و نام او پیوسته در زندگی‌مان جاری باشد و از کوچکترین شوخی و سهل انگاری با این موضوع پرهیز شود.

اگر به تاسی از اهل بیت (ع)، با شنیدن نام حضرت حالمان دگرگون و چهره‌مان متغیر شود و به احترام او از جا بلند شده و دست خویش را بر سر بگذاریم، کودک با دیدن این تغییر متوجه اهمیت این موضوع خواهد شد که مساله مهدویت امری بسیار جدی در زندگی بوده و احترام حضرت جایگاه خاصی در میان ما دارد.

❖ آموزش دعا و حدیث

یکی از مسائلی که باید به کودکانمان بیاموزیم، آموزش احادیثی درباره آن حضرت است. همچنین آموزش دعایی کوتاه برای امام زمان (عج) و تکرار آن و جایزه دادن به او می‌تواند در جهت تحقق انس او با حضرت تاثیر گزار باشد.

البته باید توجه داشت که از زیاده‌روی در آموزش و ایجاد انس پرهیز کرد.

❖ فضا سازی معنوی

اصولا کودکان تحت تاثیر محیط و فضای حاکم بر اطرافشان هستند و وقتی در فضای خاصی قرار می گیرند ناخودآگاه مطابق آن فضا رفتار می کنند.

اگر در محیط خانه و خانواده، فضایی حاکم باشد که در آن مسأله‌ی وجود امام زمان (عج) امری جدی و جزء اصول زندگی باشد، کودکان نیز تحت تاثیر این فضا قرار گرفته و به تدریج با این مسأله آشنا می شوند.

❖ بیان آثار ظهور حضرت

در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است که: "وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند، ساکنان آسمان، مردم زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان، همه و همه از او خشنود خواهد شد. [3]"

یکی از راههای مؤثر در ایجاد ارتباط فرزندان با امام زمان (عج) و انتقال نشاط و شوق به دل آنها، شرح آثار خوب، زیبا و مثبت ظهور حضرت مثل روایتی که ذکر است؛ نه بیان جملات و القای خرافات و داستانهای غیر واقعی که ترس را در دل کودکان می اندازد و آنها را اذیت می کند.

❖ تلفیق زندگی روز مره با مفهوم انتظار

یکی از راههای انتقال فرهنگ مهدویت به کودکان، گره زدن این فرهنگ با علایق و زندگی روزانه کودک است. مثل اینکه برای کودک توضیح دهیم که اگر خوب درس بخواند یک قدم به اینکه یار و سرباز امام زمان (عج) باشد نزدیکتر می شود.

همچنین می توان در طول هفته و ایام سال، با متذکر شدن زمان هایی که می گویند متعلق به امام زمان (عج) است او را با این موضوع بیشتر آشنا کرد.

❖ بهره گیری از نمادها

می توان با استفاده از پوستر یا تابلوهای زیبا با موضوع امام زمان (عج) کودک را بیشتر با او مانوس کرد. همچنین با خاطره انگیز کردن عید نیمه شعبان و عیدی دادن و شیرینی دادن و چراغانی در این روز، اهمیت این موضوع را به صورت عملی به او نشان داد.

❖ بهره گیری از محصولات فرهنگی

بهتر است بخشی از کتابخانه‌ی شما و کودکان را کتابهایی با موضوع مهدویت تشکیل دهد تا بتوان با بهره‌گیری از آنها فرهنگ مهدویت را به فرزندان انتقال داد. در همین زمینه می توان از فیلم، سی دی های آموزشی و بازی های مذهبی نیز بهره گرفت.

❖ ایجاد دوستی و محبت

اصولا کودکان دوست دارند مورد محبت واقع شوند و والدین باید آنها را به این امر آگاه سازند که پس از خدا، امام زمان (عج) بیش از دیگران آنها را دوست دارد و در هر زمانی قابل دسترس است و سلام و دعایمان را می‌شنود.

باید به کودک یاد داد که راه دوستی با امام زمان (عج) انجام کارهای خوب است و با صلوات فرستادن، نماز خواندن، کمک به دیگران و ... می‌توان به او نزدیک شد.

❖ نقش مادران در تربیت فرزند مهدوی

کودکان معمولا از مادر بیشتر تاثیر می‌پذیرند. چون او از نظر عاطفی، مهر و محبت افزون‌تری به فرزند دارد. بر این اساس مسئولیت وی در تربیت فرزند و آشنا سازی او با اهل بیت (ع) و به خصوص حضرت مهدی (عج) بیش از دیگران است. [۵]

در روایات داریم که ۵۰ نفر از ۳۱۳ یار حضرت مهدی (عج) از فرماندهان سپاه اصلی حضرت را بانوان تشکیل می‌دهند و این ۵۰ نفر مربوط به فرماندهان اصلی است در حالی که بسیاری از زنان مؤمن و پاکدامن در سپاه حضرت و در رکاب ایشان هستند. در روایتی دیگر می‌بینیم در عصر ظهور حضرت حاکمان بسیاری از شهرها را از بانوان انتخاب می‌کنند و در دوران ظهور زن به چنان جایگاه و مقامی می‌رسد که در منزل خودش نشسته است و می‌تواند فتوا بدهد و این یعنی اینکه زن می‌تواند به مقام اجتهاد برسد.

پس در نگاه مولایمان زن از مقام سیاسی و اجتماعی و معنوی خاصی برخوردار است، نه تنها دین با حضور زن در اجتماع مخالف نیست بلکه با حضور درست و عقیفانه او در جامعه بسیار هم موافق است.

نقش زنان در طول تاریخ انکارناپذیر است و اگر نگاهی گذرا به صفحه‌های تاریخ داشته باشیم زنان زیادی را خواهیم دید که نقش‌آفرینی کردند، مانند حضرت خدیجه (س) که برای گسترش اسلام مضایقه نکردند و ثروت خود را در طبق اخلاص قرار دادند و به رسول خدا پیشکش کردند. حضرت صدیقه طاهره (س) برای اثبات ولایت از تمام هستی خود گذشتند و زینب کبری (س) که اگر روشنگری ایشان نبود شاید فرهنگ اسلام و عاشورا به معنای واقعی به دست ما نمی‌رسید. اگر خواهیم به قبل‌تر اشاره‌ای داشته باشیم افرادی همچون سمیه بودند که نقش‌آفرینی داشتند.

در دوران انقلاب و به ثمر نشستن این پیروزی نقش زنان پررنگ است و در جنگ تحمیلی بسیاری از زنان در پشت جبهه تلاش فراوان کردند و چه بسیار شهید بانو داریم، به همین جهت نقش بانوان انکارناپذیر بوده، هست و خواهد بود. پس بیاییم بصیرتمان را بالا ببریم و در این میدان که دشمن طراحی کرده است بازی نکنیم و با یادگیری درست آموزه‌های دینی و انتقال صحیح آن به فرزندانمان به این دین پر از رحمت ببالیم.

❖ استفاده از شعر و داستان

یکی از بهترین وسیله‌ها برای بیدار سازی عواطف کودکان و نوجوانان و تحریک عشق و علاقه آنها به ولی خدا و امام زمان(عج)، استفاده از فنون فصاحت و بلاغت و صناعات ادبی است. [3]

بهتر است سیمای حکومت امام زمان(عج) در قالب شعر، داستان و تصویر بیان شود. برای دستیابی به این امر می‌توان از قدرت تخیل و علاقه‌مندی کودکان به شنیدن قصه‌ها و قهرمان پروری استفاده کرد و به نقل داستان کسانی که با حضرت ارتباط داشته‌اند پرداخت.

در همین راستا در ادامه با روش های آموزشی عملی بیشتر آشنا می‌شویم.

❖ شعر

کودکان، از شعر، حرکت و در حقیقت، پیوند های آوایی، کلام را حفظ و درک می‌کنند و به آن، علاقه‌مند می‌شوند. هر کلام آهنگین که در جریان یک بازی یا نمایش، ارائه شود، به مراتب، تاثیر بیشتری خواهد گذاشت. شعر کودک باید متناسب با توانایی و نیاز های کودک باشد.

اهمیت شعر

قال رسول الله (صل الله علیه واله): **إِنَّ مِنَ الشِّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَ إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا.**

همانا برخی از شعرها حکمت ها دارد و به راستی برخی سخنان، اثری سحرانگیز دارد.

یکی از سیره های تربیتی اهل بیت (ع) استفاده از شعر بوده است. حتی در برخی از خطب نهج البلاغه، استناد به اشعار آمده است.

فواید شعر

۱- تفهیم بهتر به مخاطب.

۲- ارضای حس زیباگرایی مخاطب

۳- ایجاد شادابی برای مربی و مخاطب.

۴- انتقال مفاهیم را ساده و سریع می‌کند.

***نکته:** برای جذابیت هرچه بیشتر، بهتر است اشعاری انتخاب شود که قابلیت تکرار و هم خوانی و جواب دادن در قسمت هایی از شعر را داشته باشد.

نمونه شعر مهدوی



امام علی (علیه السلام):

مهدی (علیه السلام) از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است.

گر چه تشنه لب جان داد
زیر خنجر و دشنه
یک نفر ولی باقیست
از حسین لب تشنه

نام پاک او مهدیست
نور دیده ی زهراست
غایب است و می آید
بر شما و ما مولاست

@madreseh_mahdavi



می رسد امام عصر (عج)
پرثمر شود دنیا
از گیاه و گل گردد
کل این جهان، زیبا

از گرسنگی هرگز
آدمی نمی میرد
غصه قلب آدم را
این چنین نمی گیرد

از خدای خود خواهم
صاحبم بیاید زود
بین جمع اصحابش
حضرت نبی (ص) فرمود

مهدی ام (عج) زمانی که
در جهان بپا خیزد
هر چه آسمان دارد
بر زمین فرو ریزد

@madreseh_mahdavi

oirani.com



❖ داستان

می توان ادعا کرد که وجود این همه قصه در قرآن، به این جهت بوده که این کتاب می خواهد مفاهیم و پیام های دینی را به زبانی به انسانها ابلاغ کند که موافق طبع و مورد علاقه آنان باشد تا بهتر زمینه هدایت آنها فراهم گردد.

اهمیت داستان

از دیرباز دیرباز، داستان نقش بسیار مهمی در انتقال مطالب به مخاطب داشته و همه ی گروه های سنی به آن علاقمند هستند. نویسندگان و شعرا، فیلم سازان جهان، حتی سیاستمداران نیز از این مهم غافل نبوده و برای رسیدن به اهدافشان از داستان بهره می گیرند.

خداوند متعال نیز برای انتقال مفاهیم دینی از داستان استفاده نموده است. به طوریکه صدها داستان در متن قرآن آمده است و حدود ۵۰۰ آیه قرآن دارای شأن نزول است که خود نوعی داستان است.

فواید داستان

- ۱- مخاطبان از بی سواد تا باسواد، از هر قشری باشند داستان را می پسندند.
- ۲- پیام، همان محتوایی است که معلم در صدد انتقال آن است و داستان با خاصیت تأثیر گذاری غیر مستقیم به بهترین نحو، این پیام را به مخاطب می رساند.
- ۳- کسی یافت نمی شود که در جذابیت داستان کمترین شکی کند، این خاصیت برای داستان، مبلغ را به استفاده بیشتر از این ابزار می کشاند.
- ۴- معمولاً از سخمرانی ها و کلاسها قسمتهایی که خاطره یا نقل داستان بوده است بیشتر در ذهن ماندگار است.
- ۵- حتی گوینده ای که بیان شیوایی ندارد اگر با داستان گویی انس بگیرد، تقویت بیان خود را شاهد خواهد بود.

شرایط داستان

- ۱- مستند و بدون تحریف باشد.
 - ۲- اصل قرار نگرفتن داستان در کلاس.
 - ۳- گره داشتن داستان (داستان زود لو نرود، نقطه بحران داشته باشد).
 - ۴- پیوند زدن در مقاطع گوناگون داستان با اهداف از قبل مشخص شده.
- در بعضی از فقره های داستان باید پیامی را بسیار مختصر و تلنگری به مخاطب منتقل کرد.
- به عنوان مثال: اتوبوس از حرکت ایستاد. جوان با سرعت پیاده شد. زیر نگاه های خیره مسافران، قبله نما را از جیبش در آورد، وضو داشت (بچه ها مومن همیشه وضو دارد چرا که وضو نور است و غفلت، کمتر سراغ انسان با وضو می آید، اگر کسی هنگام خواب با وضو باشد پیامبر اکرم (ص) فرمود...)، دو رکعت نماز خواند و با یک یا علی، سوار اتوبوس شد...
- قسمت داخل پرانتز، همان پیوندی است که مربی باید به خوبی و در زمانی بسیار کوتاه آن را انتقال دهد.
- ۵- پردازش زیبای صحنه های داستان.
- باید داستان را طوری بگوییم که تصویر صحنه های آن در ذهن مخاطب نقش ببندد و به نوعی فیلمی را در ذهنش دنبال نماید.
- ۶- قابلیت عبرت گیری داشتن.
 - ۷- جذابیت آغاز داستان.
- حتماً لازم نیست داستان را از اول آن شروع کنیم بلکه می توانیم از جذاب ترین نقطه داستان شروع کرده بعد به قسمت های دیگر پردازیم.
- ۸- اوج و فرود داشتن داستان.

علاوه بر اینکه داستان باید اوج و فرود داشته باشد، باید صدای گوینده در جاهای مختلف داستان، تغییر کند.

۹- بد آموزی نداشته باشد.

نمونه داستان مهدوی

در زمانهای خیلی پیش که امام یازدهم(ع) ما زندگی می‌کرد، پسر کوچکی در خانه داشت که اسمش مهدی بود. امام(ع) و پسرش دشمنانی داشتند، دشمنان امام(ع) خلفای عباسی بودند، آنها تصمیم گرفته بودند که این کودک را از بین ببرند و همه جا سراغ او را می‌گرفتند. به جز تعدادی از نزدیکان امام(ع)، کس دیگری از محل زندگی ایشان اطلاعی نداشت. روزی عده‌ای از نزدیکان امام حسن عسکری(ع) از او خواهش کردند که جانشین و امام بعد از خود را معرفی کند. امام(ع) هم برای اینکه امام دوازدهم(عج) را به اطرافیان نشان دهد و بشناساند به تقاضای آنها پاسخ داد و دستور داد تا فرزند خود مهدی(عج) را که تا آن زمان کمتر کسی او را دیده بود در مجلسی حاضر کردند و مردم او را دیدند. آنها بسیار خوشحال شدند، زیرا با امام دوازدهم خود که در آن روزها پسر بچه کوچکی بود آشنا شدند. وقتی که امام یازدهم(ع) به شهادت رسید یکبار نزدیکان که می‌دانست خیلی از مردم از وجود حضرت مهدی(عج) خبر ندارند از این وضعیت سو استفاده کرد و گفت که من کسی هستم که بعد از امام یازدهم امام شیعیان خواهم بود، وقتی مردم جنازه امام(ع) را برای تدفین به قبرستان بردند، همان شخص جلو آمد و خواست بر جنازه امام حسن عسکری(ع) نماز بخواند و به این وسیله خود را جانشین او و امام دوازدهم معرفی نماید. در این موقع مردم متوجه شدند که ناگهان کودکی جمعیت را کنار زد و جلو آمد و آن مرد را نیز از کنار جنازه پدر خود دور کرد و بر جنازه پدر خویش نماز خواند و خود را پسر امام حسن عسکری(ع) معرفی کرد. این خبر به گوش خلیفه رسید و مطلع شد که پسر امام حسن عسکری(ع) زنده است تصمیم گرفت هر طور شده او را از میان بردارد. ولی خدا می‌خواست حضرت مهدی(عج) زنده بماند، از این رو از نظرها غایب شد تا روزی که خداوند مصلحت بداند ظهور کند و دنیا را پر از عدل و داد کند. [۸]

❖ بازی

کودکان با بازی می آموزند. زندگی کودک با بازی شکل می گیرد؛ چرا که او، از این طریق تجربه های مختلفی کسب می کند. در واقع، می توان گفت که بازی، مهمترین ابزار کسب تجربه در دوران کودکی است و طبعاً، هرچه تجربیات کودک بیشتر باشد، مهارت های او برای رفع مشکلات و سختی های بزرگسالی افزون تر و تکمیل تر می شود:

رسول اکرم (ص)، درباره ی اهمیت بازی برای کودکان می فرماید «شیطننت و لجاجت کودک هنگام خردسالی، نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است».

از **حضرت امام صادق (ع)** نقل شده است که «طفل باید هفت سال اول زندگی خود را به بازی بپردازد.»

ابوعلی سینا حکیم و دانشمند ایرانی، معتقد است که اطفال تا شش سالگی از تمایلات خود پیروی می کنند؛ پس جلوگیری از تمایلات و جنب و جوش کودکان، آن ها را به افسردگی و سستی می کشاند.

خواجه نصیرالدین طوسی، در کتاب اخلاق ناصری، بازی را یکی از درس های برنامه ی فعال آموزشی شمرده است. بازی در حقیقت، درس چگونگی زیستن، یادگیری ادب، رعایت هنجارها، آگاهی از علت و معلول، به کارگیری هوش و حواس و قانونمندی است.

نمونه بازی مهدوی

برای مثال میتوان به بازی های کودکان، آسیاب بچرخ میچرخم و عموزنجیر باف اشاره کرد که با تغییر شعر و تبدیل آن به شعر مهدوی برای کودکان مناسب است.

بازی آسیاب بچرخ میچرخم مهدوی

آسیاب بچرخ، می چرخم / تندتر بچرخ، می چرخم / آسیاب بشین، می شینم / روی زمین، می شینم

آسیاب پاشو، پا نمی شم / جون من پاشو، پا نمی شم / جون بابا جون، پا نمی شم / جون مامان جون، پانمی شم

جون عمه جون، پا نمی شم / جون عموجون، پا نمی شم / به جون خودت، پا نمی شم / جون این و اون، پا نمی شم

جون مهدی جون، صاحب الزّومون / نور زمین و آسمون / پا می شم و پا می شم / فدای آقا می شم

آسیاب بچرخ، می چرخم / تندتر بچرخ، می چرخم / آسیاب بخون، می خونم / بهتر بخون، می خونم

آقا چه مهربونه / امام این زمونه / باغبون غنچه هاست / دوست همه ی بچه هاست

وقتی که آقا بباد / دنیا گلستون می‌شه / هر آدمی تو دنیا / خوشحال و خندون می‌شه
باید دعا کنیم ما / تا که بباد اون آقا / با دیدنش تا ابد / خوشحال باشن بچه‌ها
پا می‌شیم و پا می‌شیم / قربون آقا می‌شیم / می‌چرخیم و می‌چرخیم / دور آقا می‌گردیم

بازی عموزنجیرباف مهدوی

عمو زنجیر باف ... بله / منتظر یه مهمونی؟ ... بله /
مهمونی که دوشش داری؟ ... بله / همش به یادش می‌مونی؟ ... بله
مهمون نازت که بباد / مثل بابا می‌شه برات؟ ... بله
بابای خوب بچه‌ها همونه؟ ... بله / امام مهربونی‌ها همونه؟ ... بله
کی میاد اون مهمون ناز؟ عزیزم! / بدی‌ها رو دور بریزیم؟ ... بله
وقتی که آماده باشیم؟ ... بله / دوست خوبه مهدی باشیم؟ ... بله
می‌دونی که او می‌شنوه صداتو؟ ... بله / صدای خنده‌های رو لباتو؟ ... بله
پس دوست داری زودی بباد پیش تو؟ ... بله / باید که یادش بمونی همیشه، به غیر این نمی‌شه



❖ نتیجه گیری:

ذهن کودکان همچون زمین حاصلخیزی است مه از بدو تولد هرچه در آن کاشته شود، به ثمر مینشیند. در همین راستا برای آشنایی و انس گرفتن کودکان با حضرت ولی عصر ارواحنافداه ابتدا باید اندکی روانشناسی یادگیری بیاموزیم سپس با روش های علمی، شعر، بازی، قصه و داستان و... کودکان را با حضرت ولی عصر ارواحنافداه آشنا کنیم و این آشنایی اگر در سنین کودکی شکل بگیرد هرگز از بین نمی رود.

❖ منابع:

۱. زمینه سازی تربیتی مهدویت، محمد احسانی، مجله معرفت، سال ۲۰، ش ۱۶، فروردین ۹۰
۲. منتهی الامال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۸۸ و ۴۸۹
۳. الحاوی للفتاوی، سوطی، ج ۲ ص ۸۲
۴. وظیفه مادران در تربیت نسل و فرزندانی مهدوی، مریم معین الاسلام، ماهنامه انتظار موعود، ش ۲۲
۵. زمینه سازی تربیتی مهدویت، محمد احسانی، مجله معرفت، سال ۲۰، ش ۱۶، فروردین ۹۰
۶. آموزش مفاهیم دینی به خردسالان برای مربیان مهدهای کودک: کتاب مرجع، نشر لک لک ۱۳۹۰
۷. جذاب سازی کلاسهای معارف دین، حسن محمودی، اصغر آیتی، نشر همای غدیر ۱۳۹۴
۸. روش و محتوای آموزش قبل از دبستان جلد دوم تالیف گروه آموزش قبل از دبستان (واحد کار نیمه شعبان) <http://moallem69.blogfa.com/post/24>

<https://qazvin.iqna.ir/fa/news>

<https://fa.shafaqna.com/?p=1120546>